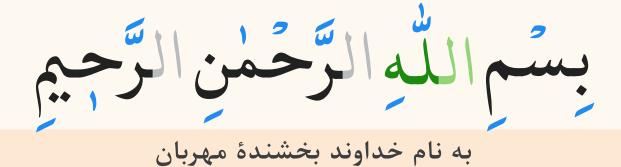


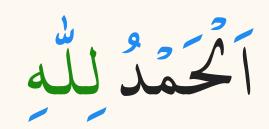
دعاء ندبه

دعاء الندبة Dua Nudba



In the Name of Allah, the most Beneficent, the most Merciful





ستایش و All praise be to Allah



سپاس مخصوص خداست که آفرینندهٔ جهان است * the Lord of the worlds.



وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

و درود خدا بر سیّد ما و پیغمبر خدا حضرت محمد مصطفی «ص» May Allah send blessings upon our master Muhammad His Prophet and



پاد ہو آل اطہارش باد و تحیت کامل بر او باد ہو۔ upon his Household and may He salute them with thorough salutation.



پروردگارا تو را ستایش میکنم O Allah, all praise be to You



برای هر چه که در قضا و قدر تقدیر کردی بر خاصّان و محبّانت *
for Your decree that has been applied



یعنی بر آنان که وجودشان را برای حضرتت خالص to Your vicegerents whom You have purely selected



* و برای دینت قرار دادند for Yourself and Your religion;



بر آنان اختیار کردی بیشتر آنچه از نعمت یایدار as You have chosen for them the abundance of what You have



نزد توست * in possession; that is the enduring pleasure



آنچه که بی زوال ابدی است * بعد از آنکه that neither vanishes nor diminishes,



بر آنها شرط فرمودی زهد after You had already stipulated on them to renounce



* در مقامات دنیای پست را all the ranks of this lowly world



و لذات و زیب و زیور (این دنیا را) *
along with all of its embellishments and ornaments,

* آنها هم بر این شرط متعهد شدند and they accepted this stipulation.



و تو هم می دانستی که به عهد خود وفا خواهند کرد *
As You knew that they would fulfill this stipulation,



پس آنان را مقبول و مقرّب درگاه خود فرمودی *
You accepted and drew them near to You.



* و بالاترین ذکر یعنی قرآن را بر آنها از پیش عطا کردی You thus provided them with sublime mention





با بلندی نام و ثنای خاص و عام * and obvious approval,



و فرشتگانت را بر آنها وارد ساختی * made Your angels descend to them,



و گرمتهم بوخیك ه

و با وحی خود به آنها کرامت دادی *
honored them with Your revelations,



و به علم خویش آنها را برقرار کردی * supported them with Your knowledge,





و آنها را واسطهٔ (هدایت خلق به توحید و معرفت) به خود گردانیدی *
and made them the channel to You



و وسیلهٔ دخول بهشت رضوان کردی * and the means to winning Your pleasure.



فَبَعْضُ اسْكُنْتُهُ وَجُنْتُكُ

پس بعضی از آنها را در بهشت منزل دادی Therefore, You made some of them dwell in Your Garden



تا هنگامی که او را از بهشت بیرون کردی * until You decided to take him out of there.





* و برخی را که در کشتی با او درآمده بودند You bore another one on in Your Ark



و نجات دادی و با هر کس که ایمان آورده and saved him and those who believed with him





* وهمه را از هلاکت به رحمت خود (نجات دادی) او همه را از هلاکت به رحمت خود (نجات دادی)

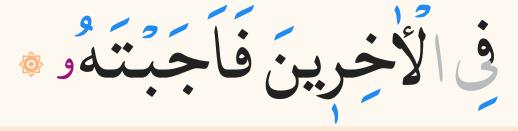


و بعضی را به مقام دوستی خود برگزیدی * You took another one as Your intimate friend



وَ سَأَلُكُ لِسَانَ صِدُقِ

و درخواستش را که وی لسان صدق and when he asked You to leave behind him



* در امم آخر باشد (پس) اجابت کردی a truthful mention, You responded to him



وَ جَعَلْتُ ذَلِكَ عَلِيًّا ۞ وَ بَعْضَ

و به مقام بلند رسانیدی * و بعضی را and made that (mention) to be eminent. You spoke to



از شجرهٔ طور با وی سخن گفتی (حضرت موسی (ع») *
another one from a tree directly



۲.

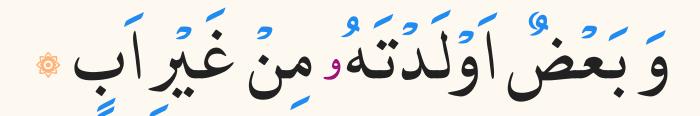


و برادرش را وزیر و یاور وی and decided his brother to be his protector



گردانیدی * and representative.





* (حضرت عیسی ع») *
You made another one to be born without a father,



و به او معجزات عطا فرمودی *
gave him clear-cut proofs





و او را به روح پاک الهی مؤید داشتی * and aided him with the Sacred Spirit.



For each of them, You gave a code of law,

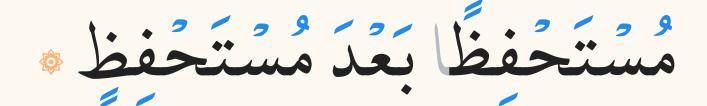


و نَهُجُتُ لَهُ و مِنْهَاجًا *

e طریقه و آیینی عطا کردی *
decided a certain course,

و برای آنان وصی و جانشینی برای آنکه یکی بعد از دیگری and finely chose successors;





* مستحفظ دین و نگهبان آیین قرار گیرند well-trustworthy successors one after another,



از مدتی تا مدت معین دیگر each for a certain period,



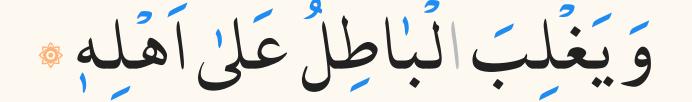


و شریعت و حجت in purpose of establishing Your religion



بر بندگان تو باشد * and acting as arguments against Your servants, وَ لِئَلا يُزُولَ الْحُقْ عَرِثَ مَقَرِّه ﴿

تا آنکه دین حق از قرارگاه خود خارج نشود *
so that the truth should never leave its position



و اهل باطل غلبه نکنند * and the wrong should never overcome the people of the truth



وَ لا (لِئلًا) يَقُولُ آحَدُ

و تا کسی نتواند گفت که ای خدا چرا رسول and so that none should claim, saying,



به سوی ما نفرستادی که ما را از جانب تو به نصیحت ارشاد کند *
"If only You had sent to us a warning messenger

و چرا پیشوا نگماشتی * که ما از آیات و رسولانت and established for us a guiding person, we should have followed



پیروی کنیم پیش از آنکه به گمراهی و ذلت در افتیم * Your signs before that we met humiliation and disgrace!"



لذا در هر زمانی رسول فرستادی تا آنکه امر رسالت منتهی گردید You then ended the matter with Your most-beloved



به حبیب گرامیت محمد «ص» and well-select one, Muhammad,



صلى الله عَلَيْهِ وَ عَالِهِ * فَكَانَ

که درود خدا بر او و خاندانش باد * و او چنانکه may Allah bless him and his Household. He was—as exactly as



تو بهرسالت برگزیدیاش، سید و بزرگ خلایق بود *
You have chosen— the master of all those whom You created,

وَ صَفُوة من اصطفيته و ه

* و خاصّهٔ پیمبرانی که بهرسالت انتخاب فرمودی the best of all those whom You selected,



و افضل از هر کس که برگزیدهٔ توست * the most favorite of all those whom You pointed out,





e گرامیتر از تمام رُسُلی که معتمد تو بودند and the noblest of all those on whom You decided.



* بدین جهت او را بر همهٔ رسولانت مقدم داشتی So, You preferred him to Your prophets, 44



* و بر تمام بندگانت از جن و انس مبعوث گردانیدی sent him to the two dependents (men and jinn) from Your servants,



و شرق و غرب عالمت را زیر قدم فرمان رسالتش گستردی *
enabled him to tread on the east and the west of Your lands,

وَ سَخْرَت لَهُ الْبُرَاقَ ۞ وَ عَرَجْت

و بُراق را مسخّر او فرمودی * و روح پاک وی را made subservient to him the Buraq (the celestial sumpter),



به سوی آسمان خود به معراج بردی * raised his soul to Your heavens,



وَ اودعَته وعِلْمَ ما كَانَ وَ ما يَكُونُ

و علم گذشته و آینده تا انقضاء خلقت را and entrusted with him the knowledge of whatever passed and



به او به ودیعت سپردی *

whatever shall come to pass up to the extinction of Your creatures.



* و آنگاه او را به واسطهٔ ترس دشمن از او، بر دشمنان پیروز گردانیدی You then granted him victory by means of awe & majesty



* و جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان ordered (Archangels) Gabriel and Michael





با اسم و رسم و مقام را گرداگردش فرستادی * as well as the marked angels to surround him,

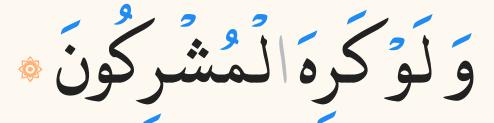


و به او آشکاری دینش را and promised him to make his faith





بر تمام ادیان عالم وعده فرمودی prevail all other faiths



* هرچند که مشرکان را خوش نیاید however much the polytheists may be averse.



وَ ذَلِكَ بَعُدَارِ أَن يُواتَهُ و

و این ظفر پس از آن بود که رسول اکرم «ص» را باز تو You did all that after You had settled him



او را با فتح و ظفر به خانهٔ کعبه، مکان صدق اهل بیت باز گردانیدی * in an honest position among his people,

وَ جَعَلْتُ لَهُ وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ

و برای او و اهل بیتش آن خانهٔ مکه را made for him and them the first house



نخستین خانه برای عبادت بندگان مقرر فرمودی ever located for the people; that is the house in Bakkah, blessed 🕝



* و وسیلهٔ هدایت عالمیان گردانیدی and guidance for the worlds.



که در آن خانه آیات و نشانهای آشکار ایمان In it, there are clear-cut proofs.





و مقام ابراهیم خلیل بود It is the standing-place of Abraham,



و محل امن و امان بر هر کس که در آن داخل می شد * and whoever enters it will be secured.



وَ قُلْتَ ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذُوبِ

و دربارهٔ خاندان رسول فرمودی: البتهٔ خدا از شما You also said, "Allah only desires to keep away



اهل بیت رسول هر رجس و ناپاکی را دور می سازد the uncleanness from you, O people of the House,





و کاملا پاک و مبرّا می گرداند * and to purify you a thorough purifying."

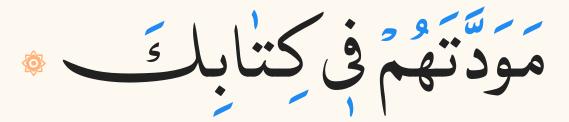


آنگاه تو ای پروردگار، در قرآنت You then decided the reward of Muhammad,



صَلُوا تُكَ عَلَيْهِ وَ عَالِهِ

اجر و مزد رسالت پيغمبرت صلى الله عليه و آله را Your blessings be upon him and his Household,



* محبت و دوستی امت نسبت به اهل بیت قرار دادی to be the love for them; as in Your Book



آنجا که فرمودی: بگو ای رسول ما که من از شما امت، اجر رسالتی جز You said, "Say: I do not ask of you any reward for it



محبت اقارب و خویشاوندانم نمی خواهم **
but love for my near relatives."

وَ قُلْتَ ﴿ مَا سَالَتُكُمْ مِنْ اَجْرِ

و باز فرمودی: همان اجر رسالتی را که خواستم، You also said, "Whatever reward I have asked of you,



* باز به نفع شما خواستم that is only for yourselves."



وَ قُلْتَ ﴿ مَا اسْعَلَكُمْ عَلَيْهِ

و باز فرمودی: بگو ای رسول ما، من از شما امت، You also said, "I do not ask you aught



اجر رسالتی نمیخواهم جز آنکه in return except that he who wills,





شما راه خدا را پیش گیرید * may take the way to his Lord."



پس اهل بیت رسول، طریق و رهبر به سوی تو هستند *

They (i.e. the Prophet's Household) have therefore been the way to You

وَ الْمُسْلَكِ إِلَى رِضُوانِكَ *

و راه بهشت رضوان تو هستند * and the course to Your pleasure.



و هنگامی که دوران عمر پیغمبرت سپری گشت When his (i.e. the Prophet) days passed,



أَقَامَ وَلِيَّهُ وَعَلِيَّ بَنَ أَبِي طَالِب

وصى و جانشين خود على بن ابى طالب صلوات الله he appointed as successor his vicegerent `Ali the son of Abu-Talib,

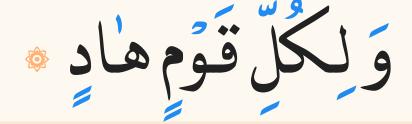


* علیهما و آلهما را به هدایت امت برگماشت Your blessings be upon both of them and their Household,



إذْ كَانِ هُوَ الْمُنْذِرَ

و چون او منذر و برای هر قوم، because he (the Prophet) was the warner



and 'Ali was the guide for every people.

هادی امّت بود *



فَقَالَ وَ الْمَلاُ امَّامَهُ

پس رسول اکرم «ص» در حالی که امت همه در پیش بودند فرمود So, he (the Prophet) said in the presence of the people,



* هر کس که من دوست و ولیّ او بودم پس از من، علی مولای او خواهد بود "As for each one who has taken me as his master, `Ali is now his master."



* بارالها دوست بدار هر که علی را دوست بدارد O Allah, guard any one who is loyal to `Ali,



و دشمن بدار هر که علی را دشمن بدارد *
be the enemy of any one who antagonizes him,



و انصر من نصره و

و یاری کن هر که علی را یاری کند * support any one who supports him,



و خوار ساز هر که علی را خوار سازد * and disappoint any one who disappoints him."



وَ قَالَ مَن كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ وَ

و باز فرمود هر کس من پیغمبر او هستم He also said, "As for any one who has considered me as his Prophet,



على «ع» امير و فرماندار اوست *

'Ali is now his commander."

وَ قَالَ أَنَا وَ عَلِيٌّ

و باز فرمود من و على He also said, "`Ali and I



* هر دو شاخههای یک درختیم are of the same tree,





و سایرین از درختهای مختلف هستند * while all the other peoples are from various trees." He endued him (i.e. `Ali)

وَ أَحُلُهُ وَ مُحُلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى ﴿

و پیغمبر «ص» علی «ع» را نسبت به خود به مقام هارون نسبت به موسی نشانید * with the position that (Prophet) Aaron had with regard to (Prophet) Moses,

فَقَالَ لَهُ وَأَنْتَ مِنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ

پس فرمود که برای تو نسبت به من، جایگاهی همچون هارون saying, "Your position to me is as same as Aaron's position to Moses



* نسبت به موسی است * جز آنکه پس از من پیغمبری نیست (in every thing) except that there shall be no prophet after me." (

و زوجه ابنته

و باز رسول اکرم دختر گرامیش He gave him in marriage his daughter



* که سیدهٔ زنان عالم است به علی تزویج فرمود the doyenne of the women of the worlds.



وَ أَحُلُ لَهُ وَمِنْ مُسْجِدِهِ

و باز حلال کرد بر علی آنچه بر خود پیغمبر He allowed him (alone) to do whatever he himself is allowed



حلال بود *

to do in his Mosque.





و باز تمام درهای منازل اصحاب را که به مسجد رسول باز بود به حکم خدا بست He closed all the doors (to the Mosque) except his (i.e. `Ali) door.



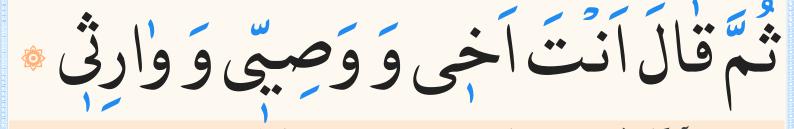
غیر در خانهٔ علی * آنگاه رسول اسرار حکمتش را نزد علی ودیعه گذاشت * He then entrusted with him his knowledge and his wisdom, که فرمود من شهر علم و علی دروازه آن شهر علم است saying, "I am the city of knowledge, and `Ali is its door.



* پس هر که بخواهد در این شهر علم و حکمت وارد شود * So, whoever wants this city and wisdom,



از درگاهش باید وارد گردد * must come to it from its door."



آنگاه فرمود تو برادر من و وصی من و وارث من هستی He then said (to `Ali), "You are my brother, successor, and inheritor



گوشت تو گوشت من * Your flesh is part of my flesh,



و خون تو خون من است * your blood is part of my blood,





* صلح با توصلح با من your peace is my peace,



و جنگ با تو جنگ با من است * your war is my war,



و الإيمان مُخالِط كَمَكَ و دَمَكَ *

و ایمان (به خدا و حقایق الهیه) چنان با گوشت و خون تو آمیخته شده * and faith is mixed with your flesh and blood



که با گوشت و خون من آمیختهاند * as same as it is mixed with my flesh and blood.

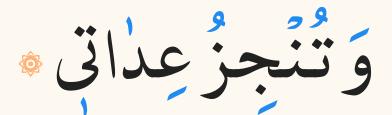


و تو فردا جانشین من بر حوض کوثر خواهی بود *
On the morrow, you shall be my vicegerent on the (Divine) Pond.



و پس از من تو اداء قرض من میکنی * You also settle my debts





* و وعده هایم را انجام خواهی داد and fulfill my commitments.



* و شیعیان تو در قیامت بر کرسی های نور Your Shi`ah (i.e. adherents) shall be on pulpits of light,



V ·



با روی سفید در بهشت ابد، گرداگرد من قرار گرفتهاند * white-faced, around me in Paradise.



* و آنها در آنجا همسایهٔ من هستند They are my neighbors (therein).



وَ لُولًا أَنْتَ يِا عَلِيُّ

اگر تو یا علی، بعد از من Were it not for you `Ali,



* میان امتم نبودی اهل ایمان به مقام معرفت نمی رسیدند true believers would not be recognized after me."

وَ كَانَ بَعَدَهُ وهد يُ مِنَ الضَّالَ فِ

و همانا على بود كه بعد از رسول اكرم، امت را از ضلالت و گمراهى و كفر و Hence, he (i.e. `Ali), after the Prophet, was true guidance against



* نابینایی * به مقام هدایت و بصیرت می رسانید straying off, light against blindness,



او رشتهٔ محکم خدا the firmest rope of Allah,



و راه مستقیم حق برای امت است *
and His straight path.





* هیچکس به قرابت با رسول «ص» بر او سبقت نیافته None would precede him in blood relation (with the Prophet)



e در اسلام و ایمان بر او سبقت نگرفته * or any priority in a religious affair,





و نه کسی به او در مناقب و اوصاف کمال and none would ever match him



* خواهد رسید in any item of virtue.



يَجُذُو حَذُو الرَّسُولِ

تنها على، قدم بهقدم از پى رسول اكرم، He patterned after the Messenger,



* راه پیمود که درود خدا بر هر دو و بر آل اطهارشان باد may Allah's blessings be upon both of them and their Household.



و علی است که بر تأویل جنگ میکند *

He fought for the sake of true interpretation (of the Qur'an). The blame of



* و در راه رضای خدا از ملامت و سرزنش بدگویان باک ندارد any blamer would never stop him from doing anything for the sake of Allah.

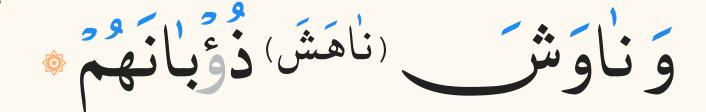


* و در راه خدا خونهای گردنکشان عرب را به خاک ریخت He thus exterminated the villains of the Arabs,



و شجاعان و پهلوانانشان را کَشت * killed their heroes,





و سرکشان را مطیع و منقاد کرد * and eradicated their ferocious fighters.



* و دلهایشان را پر از حقد و کینه از واقعهٔ جنگ بدر He therefore filled in their hearts with malice from the battles of Badr



و حنین و خیبر Khaybar, and Hunayn



و غیرہ ساخت * as well as others.



فَأَضَبُّ فَأَضَنَّتُ (فَأَضَنَّتُ) (فَأَضَنَّ عَلَى

و در اثر آن کینهٔ پنهانی در دشمن، بر او Therefore, they clang inseparably



قیام کردند * و به مبارزه و جنگ با او هجوم آوردند * to opposing him and attached upon dissenting him



تا آنکه ناگزیر او هم با عهد شکنان امت until he had to kill the preachers,



و با ظالمان و ستمکاران و با خوارج مرتد از دین در نهروان بهقتال برخاست * فلا the unjust, and the apostates.



و چون نوبت اجلش فرا رسید * When he passed away



و شقی ترین خلق آخر عالم and he was killed by the most miserable of all of the late generations



به پیروی شقی ترین خلق اول * who will be attached to the most miserable



لَمْ يُمْتَثُلُ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ

فرمان رسول اکرم the decree of Allah's Messenger,



صلى الله عليه و آله را پيروى نكردند may Allah bless him and his Household,





ھادیان خلق یکی بعد از دیگری * about the leadership of the successive guiding ones was not carried out;



* و امت، همه کمر بر دشمنی آنها بسته rather, the people insisted on detesting him



مُجْتَمِعَةُ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ ﴿

و متفق شدند بر قطع رحِم پیغمبر «ص» *
and agreed unanimously on rupturing their relations with him



و دور کردن اولاد طاهرینش * and moving away his descendants (from leadership),





جز قلیلی از مؤمنان حقیقی except for a few ones who fulfilled



* که حق اولاد رسول را رعایت کردند the duty of observing their rights.





* تا آنکه بهظلم ستمکاران امت، گروهی کشته * و جمعی اسیر Many (of `Ali's descendants) were therefore slain, many others were



و فرقهای دور از وطن شدند * taken as captives, and many others were banished. و قلم قضا بر آنها جاری شد به چیزی که امید از آن Decrees were thus applied to them in a form expected



حسن ثواب و پاداش نیکو است * to grant them excellent reward for that.

اِذْ كَانْتِ الْأَرْضِ لِلَّهِ

چون زمین ملک خداست Verily, the earth is Allah's;



و هر که از بندگان را بخواهد وارث ملک زمین خواهد کرد * He gives it in inheritance to whomever of His servants that He wishes;

و العاقِبةُ لِلمُتقِينَ ﴿ وَسُبُحَانَ

عاقبت نیک عالم، با اهل تقوی است * و پروردگار ما از هر نقص and the end result shall be for the pious. All glory be to our Lord.



و آلایش، پاک و منزه است و وعدهٔ او قطعی و محققالوقوع است * Most certainly, the promise of our Lord shall come to pass.

وَ لَنْ يَخِلِفَ اللَّهُ وَعُدَهُ

و ابدا در وعدهٔ پروردگار خلاف نیست Allah shall never fail to fulfill His promise.



* است است است است است است است He is the Almighty, the All-wise.

فعلى الأطائب (الأطايب)

پس باید بر For the immaculate ones



پاکان اهل بیت پیغمبر و علی from the household of Muhammad and `Ali,





صلى الله عليهما و آلهما may Allah bless both of them



* گریه کنند and their household,





* و بر آن مظلومان عالم، ندبه و افغان کنند let weepers weep.

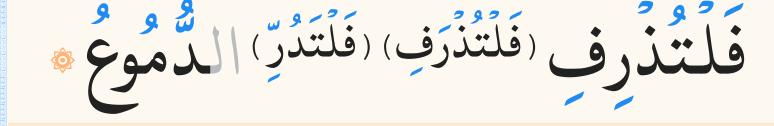


* و برای مثل آن بزرگواران، اشک از دیدگان ببارند For them too, let lamenters lament.





و ناله For the like of them,



و زاری * let tears be shed,



وَ لَيْصُرْخِ الصَّارِخُونَ *

و ضجه * screamers scream,



yellers yell,

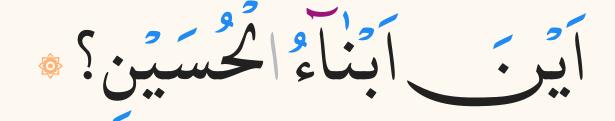




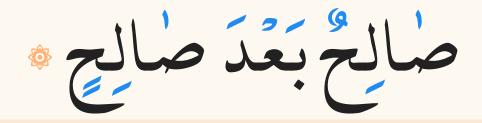
از دل برکشند and wailers wail.



* که کجاست حسن بن علی کجاست حسین بن علی؟ * Where is al-Hasan? Where is al-Husayn?



* کجایند فرزندان حسین؟ Where are the sons of al-Husayn;



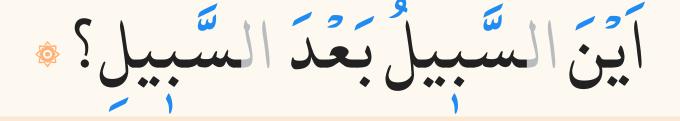
آن پاکان عالم *

a virtuous one after another,



و صادق بعد صادق الله

آن راستگویان and a veracious one after another?



* که هر یک بعد از دیگری، رهبر راه خدا Where is the course (to Allah) after a course?





و برگزیده از خلق خدا بودند * Where is the best after the best?



* کجا رفتند خورشیدهای تابان؟ Where are the rising suns?



اَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنبِرَةُ ؟ ﴿

کجا رفتند ماههای فروزان؟ *
Where are the shining moons?

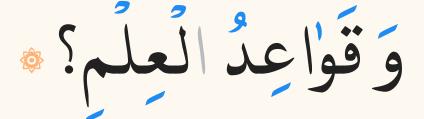


* کجا رفتند ستارگان درخشان؟ * Where are the brilliant stars?



أَيْرِ أَعُلامُ الدِّينِ

کجا رفتند آن رهنمایان دین Where are the authorities of the religion



و ارکان علم و دانش؟ * and the foundations of knowledge?





كجاست حضرت بقية الله Where is the left by Allah that is always



* که عالم خالی از عترت هادی امت نخواهد بود؟ represented by individuals from the guiding (Prophetic) offspring?



کجاست آنکه برای برکندن Where is the one prepared



ریشهٔ ظالمان و ستمگران عالم مهیا گردید؟ *
for cutting off the roots of the wrongdoers?



آين المُنتظرُ الإقامةِ الأمنت

کجاست آنکه منتظریم اختلاف و کج رفتاریها را Where is the one awaited for mending every unevenness



به راستی اصلاح کند؟ **
and crookedness?





کجاست آنکه امید داریم Where is the one hoped



اساس ظلم و عدوان را از عالم براندازد؟ *
for removing oppression and aggression?



أَيْرِ الْمُدَّخُرُ

و کجاست آنکه Where is the one spared



برای تجدید فرایض و سنن ذخیره است؟ *
for refreshing the duties and traditions?



آين المُتخبر (المُتّخذ) لإعادة الملّة

کجاست آنکه برای برگردانیدن ملت و شریعت مقدس اسلام Where is the one chosen for restoring the faith



اختیار گردیده؟ * and the code of law?



أَيْنَ الْمُؤَمِّلُ لِإِحْبِاءِ الْكِتَابِ

کجاست آنکه آرزومندیم کتاب آسمانی قرآن Where is the one expected to restore to life the Book



و حدود آن را احیا سازد؟ **
and its provisions?





* کجاست آنکه دین و ایمان و اهل ایمان را زنده گرداند؟ Where is the reviver of the elements of the religion and its people?



* کجاست آنکه شوکت ستمکاران را درهم می شکند؟ Where is the one shattering the arms of the aggressors?

أَيْنَ هَادِمُ أَبْنِيةِ الشَّرَكِ

کجاست آنکه بنا و سازمانهای شرک و نفاق را Where is the one demolishing the edifices of polytheism



eيران مىكند؟ *
and hypocrisy?



أَيْنَ مُبِيدُ أَهُلِ النَّفْسُوقِ

کجاست آنکه اهل فسق و عصیان Where is the one annihilating the people of wickedness,



و ظلم و طغیان را نابود می گرداند؟ ** disobedience, and tyranny?



اَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ

کجاست آنکه نهال گمراهی و دشمنی و عناد را Where is the one uprooting the branches of error



از زمین بر میکند؟ *
and insurgence?



اَيْنَ طامِسُ ءَاثارِ الزَّيْغِ

کجاست آنکه آثار اندیشهٔ باطل و هواهای نفسانی را Where is the one effacing the traces of evasiveness



محو و نابود می سازد؟ **
and personal desires?



کجاست آنکه رشته و دسیسه های دروغ و افتراء را Where is the one severing the ropes of fabrication

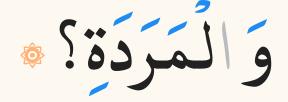


از ریشه قطع خواهد کرد؟ * and forgery?





کجاست آنکه متکبران سرکش عالم را Where is the one terminating the insolent defiant



هلاک و نابود می گرداند؟ **
and persistent rebels?



أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ النِّعِنَادِ

کجاست آنکه مردم ملحد معاند با حق را Where is the one tearing up the people of obstinacy,



و گمراه کنندهٔ خلق را ریشه کن خواهد کرد؟ * misleading, and atheism?



اَيْرِ وَلِياءِ الْأُولِياءِ

کجاست آنکه دوستان خدا را عزیز Where is the one ennobling the saints



* و دشمنان خدا را ذلیل خواهد کرد؟ and humiliating the enemies?



اَيْنَ جَامِعُ الْكُلِمَةِ (الْكُلِمِ)

کجاست آنکه مردم را بر وحدت کلمهٔ تقوی Where is the one bringing together



و دین مجتمع میسازد؟ * (all scattered) words to piety?



آينَ بابُ اللهِ النَّهِ النَّهِ عَلَى اللَّهِ النَّهِ النَّهُ النَّهِ النَّهِ النَّهِ النَّهِ النَّهُ النَّهِ النَّهُ النَّهُ النَّهِ النَّهُ النَّالِقُلْمُ النَّالِقُلْمُ النَّالِقُلْمُ النَّالِي النَّالِقُلْمُ النَّالِي النَّالِقُلْمُ النَّالِي النَّالِي النَّالِي النَّالِي النَّالِقُلْمُ النَّالِي النَّالَّذِي النَّالِي السَّلْمُ النَّالِي النَّالِي النَّالِي السَّلْمُ النَّالِي السَّلْمُ النَّالِي السَّلْمُ النَّالِي السَّلْمُ السَّلْلْمُ السَّ

کجاست باباللهی که از آن درگاه Where is the door of Allah from



وارد می شوند؟ * which Allah is come?



اَيْنَ وَجُهُ اللّٰهِ الَّذِي اِلنَّهِ

کجاست آن وجهاللهی که دوستان خدا Where is the Face of Allah towards whom



به سوی او روی آورند؟ * the saints turn their faces.



أَيْنَ السّبِ الْمُنْصِلُ

کجاست آن وسیلهٔ حق که بین آسمان Where is the means of access that is connectedly extended



* و زمین پیوسته است؟ between the earth and the heavens.



اَینَ صاحِبُ یَوْمِ الْفَتْحِ

کجاست صاحب روز فتح و برافرازندهٔ Where is the patron of the Conquest Day



پرچم هدایت در جهانیان؟ * and the stretcher of the pennon of true guidance?



اَيْرِ مُؤلِف شَمْلِ الصَّلاح

کجاست آنکه پریشانیهای خلق را اصلاح و دلها را Where is the one reunifying the dispersed parts of uprightness



خشنود می سازد؟ **
and contentment?



اين الطالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِياءِ

کجاست آنکه از ظلم و ستم امت بر پیغمبران Where is the one demanding with the vengeance of the Prophets



و اولاد پیغمبران دادخواهی میکند؟ * and their sons?



أَيْرِ الطَّالِبُ (الْمُطَالِبُ)

کجاست آنکه از خون شهید کربلا Where is the one demanding



انتقام خواهد کشید؟ with the blood of the one slain in Karbala'?



آيْنَ الْمُنْصُورُ عَلَىٰ مَن اعْتَدٰى

کجاست آن پیروز که خدا بر متعدیان و مفتریان و ستمکارانش Where is the one granted aid against whomever transgresses



او را مظفر و منصور می گرداند؟ * and forges lies against him?



آين المُضطر الذي

کجاست آنکه دعای خلق پریشان و مضطر را Where is the distressed who is answered



اجابت میکند؟ when he prays?



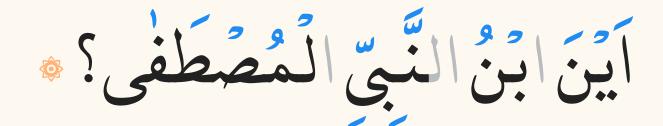
اَيْنَ صَدُرُ الْخَلَائِقِ (الْخَلَائِفِ)

کجاست امام قائم و صدرنشین عالم، Where is the forepart of the creatures



* دارای نیکوکاری و تقوی؟ who enjoys dutifulness and piety?





کجاست فرزند پیغمبر محمد مصطفی «ص»؟ *
Where is the son of the well-chosen Prophet,



و فرزند على مرتضى * the son of `Ali the well-pleased,



وَ ابْنُ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ *

و فرزند خدیجهٔ بلند مقام * the son of Khadijah the glittery lady,



و فرزند فاطمهٔ زهرا بزرگترین زنان عالم * and the son of Fatimah the grand lady?



بأبي أنت و أمي و نفسي

پدر و مادرم فدای تو و جانم نگهدار May my father and mother be ransoms for you.



و حامی ذات پاک تو باد * May my soul be protection and shield for you.





ای فرزند بزرگان مقربان خدا *
O son of the chiefs drawn near!

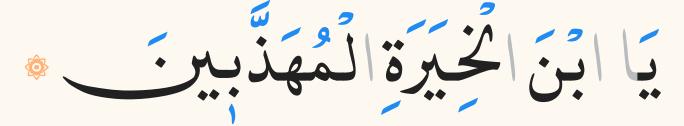


* ای فرزند اصیل و شریف و بزرگوارترین اهل عالم O son of the most honorable, outstanding ones!





ای فرزند هادیان هدایت یافته *
O son of the guiding and well-guided ones!



ای فرزند بهترین مردان مهذب *

O son of the ever-best refined ones!



144

يًا ابْرَ لَغُطارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ *

ای فرزند بزرگان شرافتمندان خلق * O son of the all-liberal and all-select ones!

يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهِّرِينَ (الْمُسْتَظَهَرِينَ) ﴿

ای فرزند نیکوترین پاکان عالم * O son of the immaculate and purified ones!





ای فرزند جوانمردان برگزیدگان *
O son of the ample-giving, finely elected ones!



ای فرزند مهتر گرامی تران * O son of the bounteous, most honorable ones!



يًا ابْرَ لَانْبُدُورِ النَّهُ ﴿

ای فرزند ماههای تابان *
O son of light-giving full moons!



ای فرزند چراغهای فروزان *
O son of beaming lanterns!

6

14.



* ای فرزند روشنائی های درخشان O son of piercing flames!



ای فرزند ستارگان زیبا * O son of luminous stars!





ای فرزند راههای روشن خدا *
O son of patent ways!



ای فرزند نشانههای آشکار حق * O son of obvious signs!



يًا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ *

اى فرزند علوم كامل الهى *
O son of perfect knowledge!



ای فرزند سنن و قوانین معروف آسمانی *
O son of renowned traditions!



يًا ابنَ الْمُعَالِم الْمَأْثُورَة *

ای فرزند معالم و آثار ایمان که مذکور است *
O son of well-established features!



ای فرزند معجزات محقق و موجود *
O son of well-known miracles!



يًا ابنَ الدُّلْأِئِلِ الْمَشْهُودَةِ

ای فرزند راهنمایان محقق O son of widely witnessed demonstrations!

و مشهود خلق *





ای فرزند صراط مستقیم خدا *
O son of the straight path!



ای فرزند خبر بزرگ * O son of the great news!



يًا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ

ای فرزند کسی که در امالکتاب O son of him who is elevated and full of wisdom



* نزد خدای علی و حکیم است in the original of the Book with Allah.





ای فرزند آیات روشن *

O son of signs and manifestations!



ای فرزند ادلهٔ روشن حق *
O son of apparent points of evidence!



يًا ابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ

ای فرزند برهانهای واضح O son of clear-cut and dazzling



و آشکار خدا * !substantiations



يًا ابْنَ الْحُجِجِ الْبَالِغَاتِ ﴿

ای فرزند حجتهای بالغهٔ الهی *
O son of conclusive arguments!



اى فرزند نعمتهاى عام الهى *
O son of superabundant bounties!



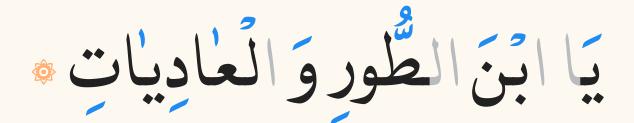


ای فرزند طه و محکمات قرآن *
O son of Taha and the decisive (verses)!



ای فرزند یاسین و ذاریات *
O son of Yasin and al-Dhariyat (the winnowing winds)!





ای فرزند سورهٔ طور و عادیات *

O son of al-Tur (the Mount of Revelation) and al-`Adiyat (the running



ای فرزند مقام ختمی مرتبت «ص» son of him who drew near and then bowed

steeds)! O son of him who drew near and then bowed;



آنکه بسیار نزدیک به خدایش بود he therefore was the measure of two bows or closer still;



* مقربترین مقام است nearness and closeness to the Most High and Most Exalted (Lord)!



کاش میدانستم How I wonder!



* که کجا دلها به ظهور تو قرار و آرام خواهد یافت؟ * Where has farness taken you?





آیا به کدام سرزمین اقامت داری؟ *
Or which land or soil is carrying you?

ا برضوى او غيرها ؟ ﴿ أَمْ ذِي طُوى ؟ ﴿

اً آیا به زمین رضوا یا غیر آن؟ * یا به دیار ذوطوی متمکن گردیدهای؟ *

Is it on (Mount) Radwa or elsewhere on (Mount) Dhi-Tuwa?

عَزِيزٌ عَلَى آنَ أَرَى الْخُلْقَ

بسیار سخت است بر من که خلق را همه ببینم، It is hard for me that I can see all creatures



و تو را نبینم *

but I can neither see you



وَ لا اسْمَعُ (اَسْمَعُ) لَكَ حَسِيسًا

و هیچ از تو صدایی حتی آهسته هم nor can I hear any whisper or confidential talk



به گوش من نرسد ** from you!



عَزِيزٌ عَلَى ٱنْ تُجيطُ بِكَ

بسیار سخت است بر من به واسطهٔ فراق تو، It is hard for me that ordeals encompass you,



نزدیک من رنج و بلوی احاطه کند * not me





و نالهٔ زار من به حضرتت نرسد – and neither cry nor complaint from me



* و شِکوه به تو نتوانم can rally round you!





به جانم قسم که تو آن حقیقت پنهانی May my soul be ransom for you; for although you are hidden



from us, you have never forsaken us.

که دور از ما نیستی *





به جانم قسم که تو آن شخص جدا از مایی May my soul be ransom for you; for although you are away,

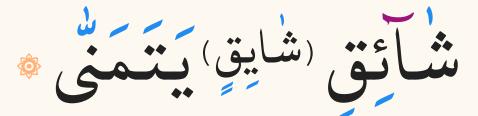


* که ابدا جدا نیستی you have never been away from us.



بنفسي انت امنية

به جانم قسم که تو همان آرزوی قلبی May my soul be ransom for you; for you are



*خواسته شده هستی the wish of an eager





از سوی مرد و زن اهل ایمانی که از یادت believing man or woman



نالهٔ شوق میزند * who mention you and miss you.



بِنَفْسِي أَنْتُ مِنْ عَقِيدٍ عِزِ

به جانم قسم که تو از سرشت عزتی که بر شما May my soul be ransom for you; for you are



هیچکس برتری نخواهد یافت *
an unmatched pioneer of dignity.



بنفسي أنت مِنْ أثيلِ مَجْدِ

و رکن اصیل مجد و شرافت هستید که هیچکس May my soul be ransom for you; for you are



* همانند شما نخواهد گردید an unrivaled origin of glory.





به جانم قسم که تو از آن نعمتهای خاص خدایی May my soul be ransom for you; for you are



* که مثل و مانند نخواهد داشت unparalleled center of bounties.





به جانم قسم که تو از آن خاندان عدالت و شرفی May my soul be ransom for you; for you are



* که احدی برابری با شما نتواند کرد unequaled in all-inclusive honor.



إلى منى أحارُ (أَجَارُ) فيك

ای مولای من تا کی در شما حیران Until when will I be bewildered about you,



و سرگردان باشم؟ * O my master,



تا به کی و به چگونه خطابی دربارهٔ تو توصیف کنم and until when? In what kind of statement and in what kind of talk



* و چگونه راز دل گویم؟ * can I describe you?



عَزِيزٌ عَلَى ٱن أَجَابَ دُونَكَ

ای مولای من، بر من بسی سخت است و مشکل It is hard for me that I can receive answers and words,



* پاسخ از غیر تو یابم but you cannot.



عزيزُعلى أنْ أَبْكِيك

سخت و مشکل است بر من که بگریم از تو It is hard for me that I weep for you



و خلق تو را واگذارند * but the others disappoint you.



عَزِيزٌ عَلَى انْ يَجْرِى عَلَيْكَ

سخت و مشکل است بر من که بر تو دون دیگری It is hard for me that what has happened afflict



این جریان پیش آمد * you other than all the others.



هَلُ مِنْ مُعِينِ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ

آیا کسی هست که مرا یاری کند تا بسی نالهٔ فراق و فریاد Is there any helper with whom I may lament and bewail



و فغان طولانی از دل برکشم؟ ** as much as I wish?



هَلُ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسْاعِدَ جَزَعَهُ وَ

کسی هست که جزع و زاری Is there any aggrieved one whom I can help in grief



* كند؟

when he becomes tired?





آیا چشمی می گرید تا چشم من هم Is there any eye moling out



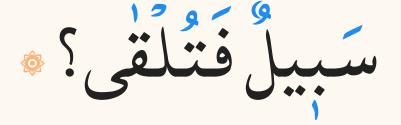
با او مساعدت کند و زار زار بگرید؟ * and thus my eye may help it to mol out more?



هَلُ النَّبُكُ يَا ابْنَ أَحُمَدُ

ای پسر پیغمبر آیا به سوی تو،

Is there any way to meet you,



راه ملاقاتی هست؟ *
O son of Ahmad (the Prophet)?



هُلُ يُنْصِلُ يُومنا مِنْكُ

آیا امروز به فردایی می رسد که Will our day be promised to catch your day



به دیدار جمالت بهره مند شویم؟ *
and we will thus achieve our hope?



مَنَى نُرِدُ مَنَاهِلُكَ الرَّويَّةُ

آیا کی شود که بر جویبارهای رحمت درآییم When will we be able to join your refreshing springs



و سیراب شویم؟ ** and we will then be satiated?



مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَا لِكَ

کی شود که از چشمهٔ آب زلال تو ما بهره مند شویم When will we quench our thirst from your fresh water,



که عطش ما طولانی گشت؟ * because thirst has been too long?



منى نغاديك و نزاوحك

کی شود که ما با تو صبح و شام کنیم تا چشم ما When will we accompany you in coming and going so that



به جمالت روشن شود؟ ** our eyes will be delighted?



مَنَى تَرَانًا وَ نَرَاكَ؟ •

کی شود که تو ما را ببینی و ما تو را؟ *
When will you see us and we see you



و هنگامی که پرچم نصرت و فیروزی در عالم برافراشته ای را ببینیم؟ * spreading the pennon of victory?

اترانا نَحْفُ بِكُ وَ انْتُ تَامُّ الْمَلاَ؟

آیا خواهی دید که ما به گرد تو حلقه زده و تو با سپاه، پُر کرده باشی؟ Can it be that we surround you while you are leading the groups,



* تمام زمین را سرشار از عدل و داد after you will have filled in the earth with justice,



و دشمنانت را کیفر خواری و عقاب بچشانی * tasted your enemies humiliation and punishment,



و سرکشان و کافران و منکران خدا را نابود گردانی * annihilated the insolent defiant and the deniers of the truth,





* وریشهٔ متکبران عالم را قطع کنی cut off the roots of the arrogant,



و پایههای ستمکاران جهان را از بیخ برکنی * eradicated the sources of the wrongdoers,



وَ نَحُنُ نَقُولُ الْحُمَدُ لِلَّهِ

و ما با خاطر شاد به الحمد لله رب العالمين and we keep on saying, "All praise be to Allah



لب برگشاییم *

the Lord of the worlds?"



اللهم انت كشاف الكرب (الكرب)

ای خدا، تو برطرف کنندهٔ غم و اندوه O Allah, You are verily the reliever from agonies



* دلهایی and ordeals.





من از تو داد دل میخواهم To You do I complain about the transgressions against me,



که تویی دادخواه * for You alone are worthy of receiving complaints,





و تو خدای دنیا و آخرتی * and You are alone the Lord of the Hereafter and this world.



باری به داد ما برس ای فریادرس فریادخواهان So, (please) aid Your agonized worthless servant,



بندگان ضعیفِ بلا و ستم رسیده را دریاب *
O Aide of those who seek aid, grant him



و سید او را برای او ظاهر گردان ای خدای بسیار مقتدر و توانا * (i.e. Your servant) chance to see his master, O Lord of mighty prowess,

وَ أَزِلُ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى

لطف كن و ما را به ظهورش از غم و اندوه remove from him misfortune and anguish,



* و سوز دل بِرَهان in the name of his master,



وَ بَرِدُ غَلِيلَهُ و

و حرارت قلب ما را فرو نشان and satisfy his thirst,



ای خدایی که بر عرش، استقرار ازلی داری *
O He Who is established on the Throne



وَ مُرِثِ إِلَيْهِ الرَّجْعَى

و رجوع همهٔ عالم به سوی توست and He to Whom is the return



و منتهی به حضرت توست *
and the final goal.





ای خدا، O Allah,

و نَحُنْ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ (الشَّائِقُونَ)

ما بندگان حقیرت مشتاق ظهور ولیّ توایم we are Your servants who are fervently willing



إلى وَلِيْكَ الْمُذَ صِّرِبِكَ وَبِنبِيْكَ

که او یادآور تو و رسول توست *
to meet Your vicegerent, who reminds of You and Your Prophet;



* تو او را آفریده ای برای عصمت و نگاهداری و پناه دین و ایمان ما and whom You have created as haven and refuge for us,

وَ أَقَمْتُهُ وَلَنَّا قِوْامًا وَمَعَاذًا *

و او را برانگیختهای تا قوام و حافظ و پناه خلق باشد *
You have appointed as foundation and source of protection for us,



و او را برای اهل ایمان، از ما بندگانت پیشوا قرار دادی and whom You have made to be the leader of the believers among us.

فَبَلِّغَهُ مِنَّا تَحِبَّةً وَ سَلَامًا *

پس تو از ما به آن حضرت سلام و تحیت برسان *
So, (please) convey to him greetings and salutations from us,



و بدین واسطه مزید کرامت ما گردان endue us with more honor, O my Lord, through that,



وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرُّهُ لِنَا

و مقام آن حضرت را decide his settlement among us

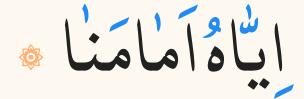


* مقام و منزل شیعیان قرار ده to be settlement and dwelling for us,



وَ أَتُمِمْ نِعُمَتُكَ بِتَقَدِيمِكَ

و به واسطهٔ پیشوایی او بر ما and perfect Your bounty by making him occupy



* نعمتت را تمام گردان the leading position before us





تا آن بزرگوار به هدایتش ما را در بهشتهای تو داخل سازد *
so that You shall allow us to enter the gardens of Your Paradise



* و با شهیدان راه تو و دوستان خاص تو رفیق گرداند and to accompany the martyrs from among Your elite ones.



ای خدا درود فرست بر محمد «ص» O Allah, (please) send blessings upon Muhammad



و آل محمد «ع» ** and the Household of Muhammad;



وَ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ جَدِّهِ

و باز هم درود فرست بر محمد «ص» جدّ امام زمان and send blessings upon Muhammad his grandfather



* که رسول تو و سید و بزرگترین پیغمبران است and Your messenger; the senior master,



و على (عَلِيٍّ)

و بر علی جد ّ دیگرش upon



* که سید سلحشور حمله ور در راه جهاد توست his father the junior master,



وَ جَدّتِهِ الصِّدِيقَةِ الْكُبْرِي

و بر جدّهٔ او صدیقهٔ کبری upon his grandmother the grand veracious lady



* فاطمه دختر حضرت محمد «ص» Fatimah the daughter of Muhammad,



وَ عَلَىٰ مَن اصْطَفَيْتَ

و بر آنان که تو برگزیدی، upon his dutiful fathers



از پدران نیکوکار او whom You have chosen (over all others),



وَ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَ أَكُمَلَ

بر همهٔ آنان و بر او، بهتر و کاملتر and upon him with such most favorable, most perfect,



و پیوسته و دائمی * و بیشتر و وافرترین * most thorough, most permanent, most abundant, and most plentiful & ما صَلَيْتُ عَلَى آحَدٍ مِنْ آصُفِياً بِكُ

درود و رحمتی فرست که بر احدی از برگزیدگان blessings that You have ever sent upon any of Your elite ones



* و نیکان خلقت چنین رحمتی کامل عطا کردی * and well-chosen ones among Your creatures.

وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً

و باز رحمت و درود فرست بر او، And (please) bless him with such blessings



رحمتی که شمارش بی حد باشد * whose number is infinite,



و لا نهاية لمددها •

و انبساطش بی انتها باشد * whose quantity is never-ending,



و زمانش بی پایان باشد * and whose time is interminable.





ای خدا و به واسطهٔ وجود آن حضرت، دین حق را پاینده دار *
O Allah! Through him, establish all rights,



* و اهل باطل را محو و نابود ساز refute the entire wrong,



وَ أُدِلُ بِهِ أُولِيا تُلِكُ ﴾

* و دوستانت را با آن حضرت هدایت فرما grant triumph to Your loyalists,



* و دشمنانت را به واسطهٔ او ذلیل و خوار گردان humiliate Your enemies,





و ای خدای منان، ما و او را پیوند *
establish, O Allah, between him and us



و اتصالی کامل ده که منتهی شود به رفاقت ما با پدرانش * a connection that leads us to accompany his ancestors,





* و ما را از آن کسان قرار ده که چنگ به دامان آن بزرگواران زده است include us with those who will take their vengeance



و در سایهٔ آنان زیست میکند *
and keep constant under their shadow,



وَ أَعِنًّا عَلَىٰ تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ ﴿

و ما را یاری کن بر اداء حقوق آن حضرتش * help us fulfill our duties towards him,



و جهد و کوشش در طاعتش * exert all efforts in obedience to him





و دوری از عصیانش * and avoiding disobeying him,



و بر ما به رضا و خشنودی آن حضرت منت گذار bestow upon us with the favor of attaining his pleasure,



وَ هَبُ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتُهُ و

و رأفت و مهربانی و دعاء خیر و برکت وجود مقدسش را and grant us his kindness, mercy,



به ما موهبت فرما *

prayer (for us), and his goodness





تا بدین واسطه ما به رحمت واسعه *
in an amount due to which we will gain a good deal of Your mercy



* و فوز سعادت نزد تو نایل شویم and achievement with You.



وَ اجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً *

* و به واسطهٔ آن حضرت نماز ما را مقبول And, through him, render our prayers admitted,



e گناهان ما را آمرزیده * our sins forgiven,



و دُعائنا به مُستجابًا *

* و دعای ما را مستجاب ساز and our supplications responded.



* و روزیهای ما را به واسطهٔ او وسیع And, through him too, make our sustenance expanded for us,



و همّ و غمّ ما را برطرف * our distresses relieved,



* و حاجتهای ما را برآورده گردان and our needs granted.



وَأَقْبِلُ إِلَيْنَا

و بر ما به وجه کریمت، And (please) receive us



with Your Noble Face,



وَ اقْبَلُ تَقُرُّبُنَا إِلَيْلِكَ ﴿

و تقرب و توسل ما را به سوی خود بپذیر * approve of our seeking nearness to You,

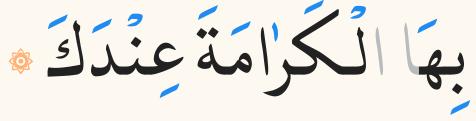


و بر ما به رحمت و لطف، نظر فرما *
and have a merciful look at us



نَسْتَكُمِلُ (نَسْتَكُمِلُ)

تا ما بدان نظر لطف، by which



* كرامت نزد تو را به حد كمال رسانيم we will win perfect honor with You;





آنگاه دیگر هرگز نظر لطف را از ما and, after that, do not ever take it away from us,



in the name of Your magnanimity,

به کرَمت باز مگیر *



و اسْقنا مِنْ حُوْضِ جُدِّه

و ما را سیراب کن از حوض کوثر جدش پیغمبر and give us a drink from the Pond of his grandfather,



صلى الله عليه و آله *
may Allah bless him and his Household,





به کاسهٔ او و به دست او * from his own cup and with his own hand,



سیرابی کامل گوارایی خوش * such a replete, satiating, pleasant, and wholesome drink



لأظما بعدة

که بعد از آن سیراب شدن دیگر تشنه نشویم after which we shall never suffer from thirst.



ای مهربانترین مهربانان عالم * O most merciful of all those who show mercy!





www.negaresh-asan.ir